

درسنامه‌ی درس دهم

- ✓ به دلیل همیشگی بودن دین اسلام عقلاً ضروری است که مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت ادامه یابد.
- زیرا اگر مرجعیت دینی نباشد، به دلیل نبود متخصص دینی، مسائل جدید بی‌پاسخ مانده و مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند.
- ✓ اگر ولایت ظاهری نباشد، احکام اجتماعی اسلام که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا در نمی‌آید.
- از اقدامات ائمه(ع) در این زمینه تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلامی را با استناد به قرآن و روایات به دست آورند. این دانشمندان به شهرهای دور دست که به امام دسترسی نداشتند رفته و احکام را به مردم می‌آموختند. این روش برگرفته از قرآن کریم است:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾

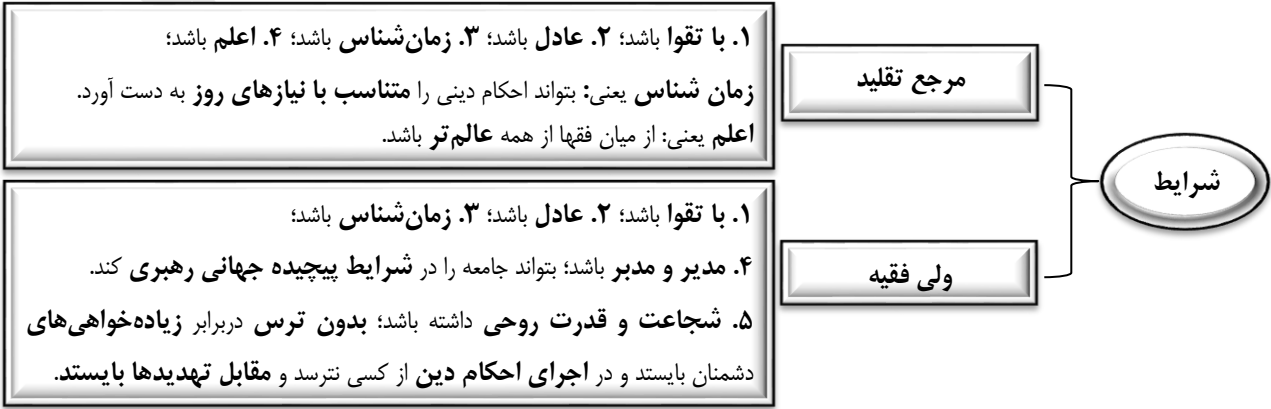
توضیح چند اصطلاح:

تفقه: تلاش برای کسب معرفت عمیق فقیه: کسی که به معرفت عمیق در دین رسیده و می‌تواند احکام اسلام را از قرآن و روایات بدست آورد.
تقلید: مراجعه غیرمتخصصان در احکام به متخصصان در احکام(روش رایج عقلی است اینکه: غیر متخصص به متخصص رجوع کند)

تقلید برای کسانی لازم است که به سن تکلیف رسیده‌اند و در احکام دین، متخصص نباشند
تقلید شامل اعتقادات(اصول دین) نمی‌شود بلکه تقلید اختصاص به احکام دین(فروع دین) دارد.

نکات احادیث مربوط به مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت:

۱. پیامبر(ص): حال کسی که به امام دسترسی ندارد سخت‌تر از حال یتیم است.(دلیل: در مسائل زندگی حکم امام را نمی‌داند)
راه حل ارائه شده توسط پیامبر(ص): افرادی از پیروان امام که به علوم اهل بیت(ع) آشنا هستند باید ناآشنایان را آگاهی بخشند؛
نتیجه: چنین شخصی در بهشت با پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) خواهد بود؛
۲. امام عصر(عج): در پاسخ به اسحاق بن یعقوب که در مورد «رویدادهای جدید» در عصر غیبت سؤال کرد، پاسخ دادند:
«وَأَمَّا الْخَوَارِثُ أَلْوَأَقَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»: و در مورد رویدادهای زمان به راویان حدیث ما رجوع کنید. که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها می‌باشم. (ضرورت زمان شناس بودن فقیه)
➤ این دو روایت بیانگر این است که مسلمانان در غیبت امام نه تنها در مسائل فردی بلکه در مسائل اجتماعی هم باید به فقیه مراجعه کنند و انجام چنین وظیفه‌ای فقط با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی میسر است.



مشروعیت: یعنی ولی فقیه پنج شرط گفته شده را داشته باشد یعنی دین به او اجازه رهبری داده است در غیر این صورت پیروی از او حرام است.
مقبولیت: یعنی مورد پذیرش مردم باشد؛ (تشکیل نظام و حکومت اسلامی بر پایه مشروعیت و مقبولیت استوار است)

راه‌های شناخت مرجع تقلید
(مانند شناخت هر متخصص دیگر
نیاز به تحقیق و جست‌وجو دارد)

اول: از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم؛

دوم: یکی از فقیهان در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود، واجد شرایط است؛

✓ **انتخاب ولی فقیه** با مرجع تقلید تفاوت دارد - علت: **اداره جامعه** تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری ممکن است در غیر این صورت **هرج و مرج** و **تفرقه** پیش می‌آید. این **یک امر بدیهی و روشن در تمام نظام‌های سیاسی** دنیاست. (انتخاب ولی فقیه: **دسته جمعی**)

✓ **چگونگی انتخاب ولی فقیه: ۱. مستقیم:** انتخاب امام خمینی (ره) با حضور مردم در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری؛
۲. غیرمستقیم: مردم به **خبرگان رأی داده** و آنان از میان فقه‌ها، شخص شایسته‌تر را رهبر اعلام می‌کنند. (انتخاب آیت الله خامنه‌ای)

(چنین شخصی تا زمانی رهبر است که شرایط ذکر شده را داشته باشد و تشخیص این امر با **مجلس خبرگان** است)

✓ **مردم و رهبری:**

✓ در جامعه اسلامی همانطور که وظایف رهبر متفاوت است، مردم نیز نگاهی متفاوت به رهبری دارند. رهبر برای مردم **پیشوایی** است که با **قدم نهادن** در راه **عدالت** مردم را به پیمودن راه **فرامی‌خواند**. مردم نیز در همه عرصه‌ها **قافله‌سالار** را تنها نمی‌گذارند.
✓ **مشارکت و همراهی مردم** در نظام اسلامی پایه و اساس پیشرفت است و نظام بدون این مشارکت **دستاوردی نخواهد داشت**.

۱. تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه:
می‌کوشد جامعه طبق دستورات دین اداره شود و مردم از مسیر قوانین الهی خارج نشوند. (مرتبط با وظیفه اول مردم)

وظایف رهبر
(حق مردم بر رهبر)

۲. حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان:
خواست کشورهای بیگانه به خصوص قدرتهای بزرگ: سلطه بر سایر کشورها به روش‌های مختلف.
یکی از روش‌های کشورهای بیگانه:
فشار اقتصادی و روانی
کار رهبر: دعوت مردم به استقامت و بستن راه‌های سلطه برای حفظ عزت و استقلال کشور (مرتبط با وظیفه دوم مردم)

۳. تصمیم‌گیری بر اساس مشورت:
اداره جامعه و رهبری به سوی پیشرفت، با بهره‌گیری از متخصصان میسر است لذا رهبر از **نخبگان مشورت** می‌گیرد. در جامعه ما علاوه بر اشخاص، **نهادهای مشورت** دهنده به رهبر عبارتند از:
۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۳. مجلس شورای اسلامی؛
۴. شورای عالی امنیت ملی؛
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۶. شورای عالی حوزه‌های علمیه؛

۴. ساده‌زیستی:

رهبر به دنبال زندگی اشرافی حتی مشروع نیست. (با الگوگرفتن از اولیای دین ساده زندگی می‌کند) ویژگی رؤسای جمهور و پادشاهان امروزی: اشرافی‌گری، خانه‌های گران، بهترین‌ها... امر عادی است

وظایف مردم
(حق رهبر بر مردم)

۱. وحدت و همبستگی اجتماعی:

نتیجه تفرقه و پراکندگی ← ۱. از پا در آمدن حکومت ۲. تسلط سلطه‌گران
نتیجه همبستگی اجتماعی ← ۱. قوی کردن کشور ۲. امکان اجرای برنامه‌ها توسط رهبر

۲. استقامت و پایداری در برابر مشکلات:

هر کشوری در رسیدن به استقلال، مشکلات کوچک و بزرگ دارد (کشور ما از انقلاب تا حال) نتیجه استقامت مردم:
فراهم کردن فرصت برای رهبری برای مقابله با مشکلات داخلی و خارجی

۵. اولویت دادن به اهداف اجتماعی:

در جایی که اهداف اجتماعی برابر منافع فردی قرار گرفت بتوانیم از منافع فردی صرف نظر کنیم.
مثال: خرید کالای ایرانی
نتیجه: تداوم تولید کارخانه‌های داخلی و مانع بیکاری و کمک به رهبری

۳. افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی:

دلیل ضرورت اطلاع از شرایط سیاسی: تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌های ستمگر دنیا؛ باید بتوانیم مقابل نقشه‌های تفرقه‌افکنان بیشترین ضربه را زده و کمترین آسیب را ببینیم.
* از معیارهای درستی یا نادرستی رفتار ما با دشمنان: ناراحتی یا خوشحالی دشمن از عمل ما

۴. مشارکت در نظارت همگانی:

طبق فرمان خدا همه افراد جامعه اسلامی نسبت به هم مسئول‌اند.

(مانند سواران بر کشتی)

در بیشتر گناهان رواج یافته در جامعه، گناهکاران، عذاب شده و سکوت کنندگان، باید پاسخگو باشند.

پس: همه باید ناظر بر فعالیت‌های اجتماعی باشند و در صورت مشاهده گناه، امر به معروف و نهی از منکر را درست به جا آورند.

نتیجه مشارکت: رهبر، همه را پشتیبان یافته و هدایت جامعه آسان‌تر می‌شود.

کلیه وظیفه کارگزاران:

- ✓ کارگزاران: مسئولان جامعه که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه، قضائیه را بر عهده دارند. یاران و کمک‌کنندگان به رهبر
- ✓ نتیجه شناخت درست وظایف توسط کارگزاران و اجرای درست آن ← افزایش اعتماد مردم به حکومت
- ✓ نتیجه عملکرد غلط کارگزاران ← افزایش مشکلات و ناکارآمدی حکومت
- ✓ علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر ایشان را به عنوان فرماندار مصر منصوب کرد:

موضوع عهدنامه: حکیمانه و عالمانه مسئولیت کارگزاران بیان شده

نکات عهدنامه: نتیجه مطالعه عهدنامه: پی بردن به عظمت فکر و درایت علی(ع) در کشورداری
ویژگی عهدنامه: وقتی مسئولیتی بیان می‌شود، علت آن هم برای مالک اشتر توضیح داده می‌شود.

طبق عهدنامه مالک اشتر(نامه علی(ع) برای فرمانروایی مصر)، کارگزاران نسبت به جامعه وظایفی دارد که عبارتند از:

شماره	وظیفه کارگزار	دلیل(علت)
۱	دوستی با همه مردم تحت حکومت	زیرا مردم دو دسته‌اند: گروهی برادر دینی و گروهی در آفرینش همانند رهبرند.
۲	تلاش در کسب رضایت عموم مردم نه خواص	با رضایت عمومی، خشم خواص آسیبی نمی‌رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی‌رساند
۳	دور کردن عیب‌جویان از خود	زیرا مردم عیب‌هایی دارند که مدیر جامعه باید بیشتر از دیگران در پنهان کردنشان بکوشد.
۴	انتخاب گروه تحقیق برای تهیه گزارش از وضع محرومان و اقدام برای رفع مشکلاتشان	زیرا این گروه بیش از دیگران به عدالت نیازمندند.
۵	غافل نبودن از پیمان شکنی دشمن در صورت بستن پیمان با او	دشمن گاهی با پیمان شکنی، غافل گیر می‌کند.

ترجمه و نکات آیات درس دهم

(توبه/۱۲۲): ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾

ترجمه: و نمی شود که مؤمنان همگی اعزام شوند پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی، جمعی از آن ها تا دانش دین بیاموزند، و مردم خویش را هشدار دهند آن گاه که به سوی آن ها باز گردند؛ تا مواظبت و توجه کنند.

کلیه پیام و نکات:

۱. قرآن کریم از مؤمنین می‌خواهد عده‌ای وقت و همت خود را صرف شناخت عمیق دین کنند(استمرار امامت در قالب مرجعیت دینی فقها)؛
۲. روش ائمه(ع) در زمینه تربیت دانشمندان و فرستادن آنها به نقاط دور دست برگرفته از همین آیه است؛
۳. طبق آیه عده‌ای از مؤمنان(واجب کفایی) در هر دورهای باید: ۱. در دین تفقه کنند(لِيَتَفَقَّهُوا)؛ ۲. هنگام مراجعه مردم، آنان را انذار دهند(لِيُنذِرُوا) هدف از انذار: بر حذر داشتن(دور کردن) مردم از نپایدها(لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)